

جستاری بر امکان ناپذیری «تشابه مطلق» آیات قرآن از دیدگاه مفسران شیعه

سید عبدالله اصفهانی^۱

چکیده

شناخت ماهیت احکام و تشابه به عنوان پدیده فراگیر در همه زبان ها و قاعده ای زبان شناختی در فهم قرآن، نقش اساسی در هدایت قرآن و تقریب مذاهب اسلامی ایفا می نماید. مفسران شیعه «تشابه مطلق» آیات را انکار نموده اند. هدف اساسی مقاله حاضر بررسی دلایل امکان ناپذیری «تشابه مطلق» آیات است. این مطالعه با روش توصیفی، تحلیلی - سیستمی و بنیادین نگارش یافته است. دست آورد مقاله حاضر که مشتمل بر پنج دلیل نوآورانه است، کنکاش از دلایل یازده گانه ذیل است: ناسازگاری تشابه مطلق آیات با «حکمت خداوند»، «هدایت گری قرآن»، «برخی از اوصاف قرآن هم چون نور بودن، مبین و تبیان بودن آن»، «بلاغت اعجازین قرآن»، «سنت و سیره راسخان در علم معصوم علیه السلام و غیر معصوم»، «قراین پیوسته آیه هفت سوره آل عمران»، «حجیت ظواهر قرآن»، «مفاد التزامی روایات»، «مدلول های سری حروف مقطعه»، «زبان عرف خاص قرآن در لقاء مقاصد الهی»، «توصیه اکید خداوند به تدبر و ژرف اندیشی در قرآن».

واژه های کلیدی: قرآن، تشابه مطلق آیات، امکان ناپذیری، مفسران شیعه.

۱. استادیار تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، گروه تفسیر و علوم

Email: esfahaniquran@gmail.com

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

قرآن، آمل، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳

۱. مقدمه

آموزه‌های قرآن کریم از طریق وحی برای فهم عموم مردم نازل شده، لیکن عمومیت پیام قرآن به معنای «تساوی همه افراد در بهره‌گیری از مفاد قرآن» و «تخصصی نبودن تعالیم آن» نیست، زیرا معارف آن، ذومراتب و دارای درجات است و هر کس به میزان استعداد، ظرفیت، مجاهدت علمی، قدرت انتزاع مفاهیم، و تزکیه نفس و تعالی روح، از آن بهره می‌جوید، چنان چه رسالت عام قرآن و آسان بودن پندگیری از آموزه‌هایش، از خطیر بودن و حساسیت «حوزه فهم قرآن» به دلیل اشمال بر مقاصد خداوند و مدلول‌های آیاتش نمی‌کاهد.

از سوی دیگر، همه آیات قرآن در «قابلیت دستیابی به مراد الهی» یکسان نیستند. به عنوان نمونه: آیاتی که مشتمل بر صفات الهی اند مانند آیاتی که در آن‌ها ید، وجه، عین و ساق به خدا نسبت داده می‌شود (آیات: مائده/۶۴؛ اسراء/۲۹؛ قصص/۸۸؛ طور/۴۸؛ قلم/۴۲ و ...)؛ هم چنین آیاتی که به نحوی جسم داشتن، مکان داشتن و جهت داشتن به خداوند منسوب می‌شود (آیات: طه/۵؛ نحل/۵۰؛ سجده/۵؛ فاطر/۱۰؛ فجر/۲۲ و ...) و اموری مانند کرسی، استواء، سماء، فوق ید، نزول، صعود و رؤیت به خداوند انتساب می‌شود (آیات: یونس/۳؛ اعراف/۵۴؛ حجر/۲۱؛ قیامت/۲۲ و ۲۳)؛ نیز آیاتی که اضلال و خذلان، طبع و ختم را به خداوند نسبت می‌دهد (آیات: ابراهیم/۲۷؛ رعد/۲۷؛ بقره/۷؛ توبه/۸۷؛ غافر/۳۵ و ... نسبت به سایر آیات، از پیچیدگی، غموض و دشواری بیش‌تری در فهم مراد برخوردار است، که به دلیل برخی عوامل «درون ذاتی و برون ذاتی آیات» می‌تواند منجر به سوء فهم و نقصان در درک مراد صحیح قرآن گردد. از این رو، قرآن کریم روش «تجمیع بین عوام و خواص در القای مفاهیم» را در پیش گرفته و بسیاری از معارف عمیق و متعالی را در قالب مَثَل ارائه نموده تا «عامه مردم» به ظواهر قرآن پی برده، و «دانش‌مندان» به مراتب عمیق‌تری از مفاهیم نهفته در ورای مثال دست یابند. روایت منقول از امام حسین علیه السلام که فرموده‌اند: «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعِي أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارِي، وَالْإِسَارِي، وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارِي لِلْعَوَامِّ، وَالْإِسَارِي لِلْخَوَاصِّ، وَاللِّطَائِفِ لِلْأَوْلِيَاءِ، وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ؛ یعنی کتاب خداوند عزوجل بر چهار چیز است (=معارف آن دارای چهار مرتبه است): عبارات و اشارات و لطایف و حقایق؛ عبارات برای عوام و اشارات برای خواص و لطایف برای اولیا و حقایق آن برای انبیا است» (مجلسی، ۱۳۶۳ ش: ج ۹۲، ص ۲۰). شاهدهی براین مدعا است.

توضیح آن‌که: ذهن عموم انسان‌ها با محسوسات مأنوس است و فهم‌شان با محسوسات سروکار دارد، از این رو، مفاهیم غیر حسی، غیر مادی، و فراطبیعی و الهی راتنها باید از راه محسوسات به آن‌ها القا نمود. از سویی هدایت قرآن، عمومیت دارد و برای همه طوایف مردم است و اختصاص به

افراد خاص (=دانش‌مندان) ندارد، از این‌روی، قرآن کریم از راه مناسبتی که بین «حقایق متعالی و فراطبیعی‌اش» و «معلومات حسی ذهن انسان» برقرار می‌کند، به‌وسیله مفاهیم شناخته‌شده بشر، معارف ناشناخته، فراطبیعی و الاهی را به آن‌ها منتقل می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۶۰). درک مفاهیم قرآن، علاوه بر آشنایی با قواعد ادبیات عرب و اصول عقلای محاوره‌ای، نیازمند قواعد زبان‌شناختی خاصی است که از آن میان، «پدیدارشناسی ماهیت احکام و تشابه» به‌عنوان ویژگی فراگیر در همه زبان‌ها که در زبان قرآن نیز رصد می‌شود، «بازشناسی محکم و متشابه از یک‌دیگر»، و «بازگرداندن متشابهات به محکمت» به‌دلیل نقش محوری در هدایت و روشن‌گری قرآن و تقریب و هم‌دلی مذاهب اسلامی، حائز اهمیت و حساسیت ویژه‌ای است (شاکر، ۱۳۹۳ش: ص ۲۶۰؛ اسعدی و طیب حسینی، ۱۳۹۰ش: ص ۷۰).

«محکم» آیه‌ای است که صراحت و اتقان الفاظ و عبارات آن به‌گونه‌ای است که مقصود واقعی آن در معنای ظاهری‌اش نهفته است. به‌طوری‌که قابلیت توجیه، برداشت انحرافی و تحریف معنوی را از بین می‌برد و برای درک مفادش لازم نیست آن را به آیه دیگری ارجاع دهیم؛ اما «متشابه» آیه‌ای است که مشتمل بر عبارات چندپهلوی است، به‌طوری‌که مقصود واقعی‌اش در معنای ظاهر آن نهفته نیست و زمینه اشتباه، التباس، شبهه، سوء فهم و تحریف معنوی آن وجود دارد. از این‌رو برای به‌دست آوردن مقصود واقعی‌شان باید آن را به سایر آیات مشابه و مرتبط ارجاع داد و سپس به آن عمل نمود (اسعدی و طیب حسینی، همان، ص ۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش: ج ۲، ص ۴۳۷-۴۳۹).

با عنایت به اختلاف دیدگاه‌های مفسران و قرآن‌پژوهان در تعریف ماهیت محکم و متشابه، «معیار تشخیص محکم و متشابه» و «قلمرو و دامنه محکم و متشابه»، از منظر برخی قرآن‌پژوهان هم‌چون راغب اصفهانی در مفردات، آیات محکم و متشابه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. آیاتی که به‌طور مطلق محکم‌اند.
ب. آیاتی که به‌طور مطلق متشابه‌اند.

ج. آیاتی که از جهتی محکم و از جهت دیگر متشابه‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۲۵۶).
مفسران شیعه و برخی از قرآن‌پژوهان اهل سنت با اذعان به قسم اول و سوم، آیاتی را که از هر جهت، همه بخش‌ها و همه ابعاد معنایی آیه فهم‌ناپذیر و متشابه باشند را انکار نموده‌اند. در حالی‌که مفسران اهل سنت با اذعان به آیات متشابه مطلق، علم به این قسم آیات را منحصر در خداوند دانسته و اخباریان شیعه نیز با انکار «حجیت ظهور آیات»، علم به آیات متشابه را منحصر در خداوند و اولیای معصوم می‌دانند.

پرسش اساسی مقاله حاضر که با توجه به پژوهش در کتب، پایان نامه‌ها و مقالات تا کنون پژوهشی در این زمینه صورت نپذیرفته، به طوری که از دلیل هشت تا دوازده (= ۵ دلیل) کاملاً از نوآوری برخوردار است، کنکاش از علل امکان ناپذیری در تشابه مطلق آیات قرآن است؛ به عبارت دیگر سؤال محوری این پژوهش آن است که مدلول ناپذیری و فهم ناپذیری در آیات متشابه با چه محذورها و موانعی مواجه است؟

۲. یافته‌ها و بحث

۱-۲. مفهوم شناسی

الف. اصطلاح «تشابه مطلق» در مقابل «تشابه نسبی» به معنای آیه‌ای که شبهه‌انگیزی و تشابه، همه بخش‌ها و همه ابعاد معنای آیه را فراگرفته، در «کاربرد عالمان شیعه» دیده می‌شود (طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۶۴)، چنانچه دو اصطلاح مشابه یکدیگر، یعنی «تشابه حقیقی» در برابر «تشابه اضافی» و «تشابه واقعی» در مقابل «تشابه نسبی»، به معنای آن‌که: برخی از آیات متشابه، غیر قابل درک و فهم‌اند و هیچ راهی به فهم معنای آن وجود ندارد و وظیفه ما فقط توقف در برابر این آیات و اذعان و ایمان نسبت به آن‌ها است، در «دیدگاه‌های عالمان اهل سنت» دیده می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۲، صص ۱۲۴-۱۳۲؛ شاطبی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، صص ۸۴-۸۷).

ب. تعریف «متشابه مطلق و حقیقی» به معنای آیه‌ای که - به دلیل آن‌که تشابه، وصف ذاتی و واقعی آیه است - فی حد نفسه و به خودی خود، برای همه حتی راسخان در علم، متشابه و شبهه‌انگیز است، تعریف درستی نیست، زیرا بازگشت آن به «متشابه حقیقی» است که با حکمت خداوند و حکمت نزول آیات و اوصاف قرآن از قبیل هدایتگری، نور بودن، مبین بودن، بیان بودن و... منافات دارد. افزون بر آن، منازعاتی که در خصوص وجود تشابه صرفاً در حوزه «لفظ یا معنا» و یا تشابه «توأم لفظ و معنا» وجود دارد، مرتبط دانستن «تشابه آیات» با درک مخاطبان را نفی می‌کند.

ج. تعریف دیگری از «تشابه مطلق» (در برابر تشابه نسبی) که احکام و تشابه را وصف ذاتی و فی حد نفسه آیات ندانیم، بلکه آن را امری نسبی و با توجه به ادراک و آگاهی افراد در نظر بگیریم، بدین معنا که ممکن است آیه‌ای برای فردی متشابه و برای فرد دیگری، محکم باشد؛ هم‌چنین ممکن است همه آیات برای کسی متشابه باشد، تعریف صحیحی نیست. چنانچه مستفاد از ظاهر آیه ۷ سوره آل عمران آن است که احکام و تشابه، وصف فی حد نفسه آیات است و افراد دخالتی در به وجود آوردن آن ندارند، زیرا در غیر این صورت، ام الكتاب بودن محکومات، بی‌معنا خواهد بود.

این که در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام آمده که متشابه آیه ای است که بر جاهلش مشتبه می شود، چنان چه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «المتشابه ما اشتبه علی جاهله» (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۲؛ محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ح ۲۵۳۴؛ شاکر، همان، ص ۲۶۲) بدان معنا نیست که جاهل بودن افراد، صفات متشابه را برای برخی آیات به وجود می آورد، بلکه تشابه از ویژگی های معنایی خود آیات است، لیکن تا زمانی که علم به محکمی که رفع تشابه کند، پیدا نشود به عنوان ثانیاً و بالعرض در افراد باقی می ماند (شاکر، همان، صص ۲۶۰-۲۶۲).

د. «تشابه مطلق» از منظر مفسران شیعه در دو حوزه قابل بررسی است:

۱- برخی از ابعاد و زوایای معنای باطنی آیات که مشتمل بر مدلول فاعرفی و فرادلالی است و فقط معصومان علیهم السلام از آن آگاهند. این حوزه به دلیل آن که شامل بخشی از مفاد آیه است (=تفسیر باطنی در برابر تفسیر ظاهری) و نه همه ابعاد و بخش های مفهومی آیه، لذا مصداق «متشابه مطلق» محسوب نمی شود.

۲- حروف مقطعه اوائل سُور قرآن؛ که براساس دیدگاه مستند و مشهور شیعه مبنی بر «سُری بودن مدلول این آیات بین خداوند و معصومان علیهم السلام» و یا «مدلول پذیری آیات فوق از طریق رمزگشایی معصومان»، و یا «خارج بودن حروف مقطعه از تقسیم آیات محکم و متشابه در آیه هفت سوره آل عمران»، -به دلیل آن که دلالت ظاهری بر مدلول شان ندارند (طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۸)-، «تشابه مطلق» در خصوص آن ها مصداق ندارد.

۲-۲. دلایل امکان ناپذیری «تشابه مطلق» آیات قرآن

۲-۲-۱. ناسازگاری «تشابه مطلق» آیات با حکمت خداوند: این که خداوند حکیم کتابی را به عنوان دستور زندگی و هدایت انسان به کمال مطلوب نازل کند و ذهن و فکر مخاطبان را به آن مشغول سازد، در حالی که هیچ انسانی اعم از معصوم علیه السلام و غیر معصوم توان درک آن را نداشته باشند، صدور چنین سخنی لغو است و لغو برخداوندی که حکیم مطلق بالفعل است، محال است. هرچند معقول است که در قرآن عبارات و فراهایی باشد که به ظاهر موجب شبهه و اشتباه شود و دست آویز کج اندیشان قرار گیرد، لیکن خداوند کلید فهم و تبیین آن را از طریق مراجعه به محکّمات و تأویل راسخان معصوم علیهم السلام در اختیار خویش بگیرد (معرفت، ۱۳۹۱ش: ص ۲۵۵؛ اسعدی و طیب حسینی، همان، ص ۱۱۰؛ کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش: ص ۲۳۲).

۲-۲-۲. ناسازگاری «تشابه مطلق» آیات با رسالت هدایت گری قرآن: چنان چه آشکار است حکمت نزول قرآن، همانا هدایت گری، تربیت و کمال جویی است و چنین هدفی با «تشابه مطلق و حقیقی» آیات که مخاطبان هیچ گونه زمینه فهم و ادراک آن را نداشته باشند، سازگاری

ندارد (اسعدی و طیب حسینی، همان، ص ۵۹). این دلیل، محالیت تشابه مطلق آیات را به لحاظ علت غایی فلسفه نزول قرآن که هدایت‌گری است، تبیین می‌کند، در حالی که دلیل اول، محالیت را به لحاظ علت فاعلی که حکیم مطلق بودن خداوند است، تقریر می‌نماید.

۲-۳. فهم ناپذیری و مدلول نداشتن بخشی از آیات تحت عنوان «متشابه مطلق»، در

تضاد با برخی اوصاف قرآن: توضیح آن‌که: تشابه مطلق با نور بودن، مبین بودن، تبیان بودن قرآن، ناسازگار است (آیات تدبر و تفکر زمر/۲۷ و یونس/۲۱؛ حشر/۲۱؛ محمد/۲۴؛ نسا/۸۲؛ ص/۲۹) (معرفت، همان، ص ۲۸۰؛ فخر رازی، همان، ج ۱، ص ۳؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۱۷۳).

ابو اسحاق شاطبی با آن‌که تشابه حقیقی (در برابر تشابه اضافی) را در حوزه حروف مقطعه قرآن و آیات مشتمل بر زمان قیامت، خروج دجال و نظایر آن می‌پذیرد، لیکن استدلال وی در زمینه اثبات «محدودیت قلمرو و دامنه متشابهات» (تشابه حقیقی)، دلیل امکان ناپذیری «تشابه مطلق» آیات است. یکی از دلایلی که وی مطرح می‌کند، آن است که توسعه متشابهات را با هدایت، نور بودن و بیان بودن قرآن، ناسازگار می‌داند. عبارت وی بدین شرح است: «... والثانی ان المتشابه لو كان كثيرا لكان الالتباس والاشكال كثيرا وعند ذلك لا يطلق على القران انه بيان وهدى كقوله تعالى هذا بيان للناس وهدى وموعظه للمتقين وقوله تعالى هدى للمتقين، وانزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم وانما نزل القران ليرفع الاختلاف الواقع بين الناس والمشكل الملتبس انما هو اشكال وحيره لا بيان وهدى لكن الشريعة انما هي بيان وهدى فدل على انه ليس بكثير» (شاطبی، همان، ج ۳، ص ۸۳).

۲-۴. وجود «تشابه مطلق» آیات، خلاف مقتضای بلاغت قرآن: بلاغت از منظر ادبا، از

جمله فنون ادبی و به معنای شیوایی و رسایی سخن است که برخاسته از مطابقت کلام با مقتضای حال باشد، به همراه فصاحت عبارت. به طوری که آن چه متکلم در ضمیر و دل خویش دارد با سخنی خالی از «اطناب ممل» و «ایجاز مُثَل» به زبان آورد (تجلیل، ۱۳۸۵ش: ص ۲).

بدیهی است، اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت که از آغاز نزول تاکنون از سوی عرب (فصیح و بلیغ) جاهلی و بزرگ‌ترین دانش‌مندان ادبیات عرب و قرآن پژوهان، پذیرفته شده است، با «تشابه مطلق» و فهم ناپذیری آیات، به هیچ وجه سازگاری ندارد.

۲-۵. عدم پذیرش «تشابه مطلق» آیات، از سوی راسخان در علم معصوم ﷺ و غیر

معصوم: سنت و سیره راسخان در علم معصوم ﷺ (= پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت) و راسخان غیر معصوم (= صحابه، تابعان و سایر مفسران) طی قرون اسلامی نشان می‌دهد که همواره همه آیات -اعم از محکم و متشابه- را تبیین و تفسیر کرده‌اند و در برخورد با همه آیات متشابه، حتی حروف

مقطعه، توقف نموده‌اند و عملاً تشابه مطلق برخی از آیات را باور نداشته‌اند. به علاوه صحابه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که آن بزرگوار به تعلیم تلاوت و تفسیر قرآن می‌پرداخت و از تفسیر هیچ آیه‌ای امتناع نورزید (مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، ۱۳۷۴ش: صص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ سبحانی، ۱۳۸۷ش: صص ۲۵۴ و ۲۵۵؛ سعیدی روشن، ۱۳۷۹ش: ص ۲۹۸)، (شاطبی، همان، ج ۳، صص ۸۳-۸۷) و چنان‌چه بر فرهیختگان مبرهن است، سیره متشرعه آن‌گاه که متصل به زمان معصومان علیهم‌السلام شود و مورد تأیید یا تقریر ایشان قرار گیرد، از حجیت برخوردار است.

۲-۶. قراین پیوسته آیه ۷ سوره آل عمران، نافی «تشابه مطلق» آیات: آیه ۷ سوره آل عمران: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَى وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آن‌ها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل پذیرند] اما کسانی که در دل‌های‌شان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند با آن‌که تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی‌داند [آن‌ان که] می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود» (آل عمران ۷/۱) او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد که قسمتی از آیات آن «محکم» (صریح و روشن) است؛ که اساس این کتاب می‌باشد؛ (و هرگونه پیچیدگی با مراجعه به این دسته از آیات، برطرف می‌گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [=آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آن‌ها آشکار می‌گردد.]، اما آن‌ها که در قلوب‌شان انحراف است، به دنبال متشابهات اند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ درحالی‌که تفسیر آن‌ها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آن‌ها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درک نمی‌کنند) مشتمل بر قرآینی است که «تشابه مطلق» آیات را نفی می‌کند:

الف. آیه فوق دلالت بر وجود متشابهات در برابر محکمت دارد، لیکن وجود «تشابه مطلق» (در برابر «محکم مطلق»)، نه از صراحت آیه و نه از ظهورش استنباط می‌شود (اسعدی و طیب حسینی، همان، ص ۹۴).

ب. «ام‌الکتاب» بودن محکمت برای متشابهات به عنوان مرجع و اساس هدایت قرآن، لازمه‌اش - به لزوم بین - آن است که برای استیضاح معنا و مدلول متشابهات باید آن‌ها را به سوی محکمت بازگرداند و با کمک محکمت، مراد واقعی متشابهات را بیان نمود؛ به عبارت دیگر آیه می‌خواهد بگوید، در قرآن دو دسته آیات داریم؛ آیاتی که بدون واسطه محکم‌اند، (=محکمت) و آیاتی که با واسطه محکم‌اند (=متشابهات)؛ بنابراین در قرآن کریم آیه‌ای به عنوان «متشابه مطلق» نداریم که دست‌رسی به مرادش برای همگان، به هیچ وجه مقدور نباشد (طباطبایی، ۱۳۸۸ش: ص ۷۰).

ج. آیه فوق دلالت دارد، اهل زبیغ، گمراهان و کج‌اندیشان، برخلاف تأکید قرآن کریم مبنی بر لزوم ارجاع متشابهات به محکمت، با پی‌جویی متشابهات و تبعیت فکری از تاویل باطل این آیات، به دنبال فتنه‌جویی و تثبیت دیدگاه‌های باطل خویش‌اند. این مطلب به دلالت تضمّن می‌فهماند که آیات متشابه فهم‌پذیر و مدلول‌پذیراند و «تشابه مطلق» آیات، امکان ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ش: صص ۱۷۸-۱۸۷).

۲-۷. حجیت ظواهر قرآن، در تضاد با «تشابه مطلق» آیات متشابه: حجیت ظواهر قرآن که اصولیان شیعه آن را - به دلیل: کاربرد زبان عرفی متعارف در قرآن در القای مقاصد خداوند؛ دعوت قرآن به تدبّر و اندیشه در آیاتش؛ رسالت هدایتگری قرآن، مرجعیت قرآن برای روایات (میرزای قمی، ۱۳۷۸ش: صص ۳۹۳-۳۹۷) ... اثبات می‌کنند - در هر دو قسم آیات محکم و متشابه مطرح است و منحصر در محکمت قرآن نیست، زیرا لفظ آیات، ظهور و وضوح دارد و آن چه مفسر را دچار شبهه و اشتباه می‌نماید، مراد واقعی آیات است که از طریق تدبّر و ژرف‌اندیشی در مفاد جمعی آیات محکم مرتفع می‌شود؛ بنابراین حجیت ظواهر در هر دو قسم آیات محکم و متشابه مطرح است. در حالی که فرض وجود «تشابه مطلق» در برخی آیات، به معنای عدم حجیت ظواهر قرآن در حوزه متشابهات خواهد بود (اسعدی و طیب حسینی، همان، ص ۸۱؛ شاطبی، همان، ج ۳، صص ۸۸ و ۳۰۶-۳۰۸).

مدلول روایات عرضه که در آن معصومان علیهم‌السلام، معیار صحت و سقم روایات را عرضه بر قرآن و عدم مخالفت با مفاد قرآن کریم دانسته‌اند، به دلالت التزام، قابل درک بودن مفاهیم قرآن برای همه مخاطبان، حجیت ظواهر آن و طرد «تشابه مطلق آیات» است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ج ۱، صص ۸۰-۸۳) به عنوان نمونه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «... فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخَذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ پس آن چه با قرآن موافق بود، بگیری و آن چه مخالف آن بود، واگذارید»، هم‌چنین از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرموده‌اند: «مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ؛ حدیثی که مخالف قرآن باشد، باطل است» (کلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۶۱).

۲-۲-۸. مدلول التزامى روايات معصومان عليهم السلام، نفى کننده «تشابه مطلق» آيات: مستفاد

از روايات پيامبر صلى الله عليه وآله و اهل بيت عليهم السلام آنست كه متشابه، آيه اى است كه استقلال در مدلول رسانى نداشته و با وساطت محكمات، تبين و تفسير مى شود، نه آن كه براى همگان اعم از معصوم عليه السلام و غير معصوم راهى براى فهم مراد و مدلول آن در دست رس نباشد؛ بنا بر اين تشابه مطلق و حقيقى، امكان پذير نيست.

به عنوان نمونه: على عليه السلام فرمودند: «وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ، وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ؛ بعضى از قرآن از بعضى ديگر سخن مى گويد، و برخى بر برخى ديگر گواهى مى دهد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳). هم چنين نيز امام صادق عليه السلام فرمودند: «الْمُحْكَمُ مَا نَعْمَلُ بِهِ، وَ الْمُتَشَابَهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَى جَاهِلِهِ؛ محكم، آن آيه اى است كه به آن عمل مى كنيم و متشابه، آيه اى است كه بر كسى كه از آن شناخت ندارد مشتبه مى شود (عياشى، همان، ص ۱۱؛ مجلسى، همان، ج ۹۲، ص ۳۸۲؛ اسعدى و طيب حسيني، همان، ص ۳۱).

امام رضا عليه السلام نيز فرمودند: «مَنْ رَدَّ مُتَشَابَهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ هر كه متشابه قرآن را به محكم آن ارجاع دهد، به راه راست هدايت شده است» (مجلسى، همان، ج ۲، ص ۱۸۵).

۲-۲-۹. مدلول هاى سزى حروف مقطعه، در تضاد با «تشابه مطلق» بودنشان: مستفاد

از تجزيه و تحليل ديده گاه ها در خصوص حروف مقطعه آن است كه اين حروف فهم پذير و مشتمل بر مدلولات سزى و ناشناخته بين خداوند، پيامبر صلى الله عليه وآله و ساير معصومان عليهم السلام هستند، از اين رو «تشابه مطلق» محسوب نمى شوند.

توضيح آن كه: در باب حروف مقطعه سه ديده گاه اساسى مطرح است:

الف. مدلول ناپذيرى و فهم ناپذيرى حروف مقطعه كه آگاهى از مدلول اين حروف را مختص به خداوند مى داند. اين ديده گاه به خلفاى اربعه، ابن مسعود، قرطبي، سيوطى، طبرسى نسبت داده مى شود (= عقیده رايج بين متأخران اهل سنت) (قرطبي، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۰۸؛ ابن كثير، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۶۶۴).

ب. اشتمال حروف مقطعه بر مدلول هاى ناشناخته و سزى كه رمزى بين خداوند و پيامبر صلى الله عليه وآله و اهل بيت عليهم السلام است مانند اشتمال بر حروف اسم اعظم. اين ديده گاه به ابو عبد الرحمن سلمى، ۴۱۲ م. (به نقل از ابن طاووس، ۱۳۶۳ش: ص ۱۳۸) سيد رضى الدين بن طاووس، ۶۶۴ م. علامه طباطبايى (طباطبايى، همان، ج ۱، ص ۸) آيت الله معرفت (معرفت، همان، ص ۱۳۶) نسبت داده مى شود (= ديده گاه مشهور اماميه) (صدوق، ۱۴۰۳ق: ص ۲۳).

ج. اشتغال حروف مقطعه بر مدلول‌های شناخته‌شده که برای همه مردم فهم پذیراند و از طریق روایات معصومان علیهم‌السلام - و به شکل تعبّدی - و یا با تأملات مفسران غیر معصوم ارائه شده‌اند. این دیدگاه به نوبه خود بر اقوال دوازده‌گانه مشتمل است و اکثر این اقوال با نقدهای عقلی، ادبی، فقدان سند نقلی معتبر مواجه است. به استثنای دو قول که مستند به روایات معصومان علیهم‌السلام است و مبتنی بر رمزگشایی از حروف مقطعه به عنوان معنای باطنی قرآن - که مفاد آن از توده مردم پنهان است - می‌باشد (اسعدی و طیب حسینی، همان، صص ۱۱۲-۱۲۶).

مطابق دیدگاهی که برای حروف مقطعه، مدلولی نمی‌شناسد این حروف در دایره «متشابهات»، آن هم «تشابه مطلق و حقیقی» جای می‌گیرد و بر اساس دیدگاهی که حروف مقطعه را مشتمل بر مدلول‌های ناشناخته و سرّی بین خداوند و معصومان علیهم‌السلام می‌داند، این حروف در زمره متشابهات ولی با «تشابه نسبی» - که مفادشان برای راسخان در علم معصوم علیهم‌السلام آشکار است، ولی برای مخاطبان عادی، ناشناخته است، جای می‌گیرد؛ اما دیدگاهی که برای حروف مقطعه مدلول‌های شناخته شده معرفی می‌کند، به دلیل مواجه بودن با نقدها و اشکال‌های فراوان - به استثنای دو دیدگاه - قابل پذیرش نیست.

نتیجه‌گیری نهایی: فهم ناپذیری حروف مقطعه قرآن، به دلیل آن که لازمه آن، لغویت در نزول آن آیات و ناسازگاری با حکمت خداوند است، قابل پذیرش نیست. از سویی چون حروف مقطعه از حوزه آیه ۷ سوره آل عمران مبتنی بر تقسیم آیات بر محکم و متشابه خارج‌اند - زیرا آیه فوق به دلالت تضمّن، احکام و تشابه را از صفات آیتی می‌داند که دارای دلالت لفظی و عرفی اند، در حالی که حروف مقطعه، مدلول فرا لفظی و فراعرفی دارد، به طوری که در مدلولات متعارف کلام عرب نمی‌گنجد و به عبارت دیگر، حروف مقطعه به عنوان یک استثنا، هم به لحاظ لفظی و دلالت ظاهری در معرض شبهه‌اند و هم به لحاظ معنایی، در حالی که سایر متشابهات صرفاً به لحاظ معنایی و نه مدلول لفظی، متشابه‌اند (طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۳۲؛ شاکر، همان، ص ۲۴۴)؛ بنابراین مدلول ظاهری و تفسیری ندارند، لیکن به دلیل آن که مدلول آن‌ها - چه در قالب رمزی و سرّی و چه در قالب رمزگشایی از سوی معصومان علیهم‌السلام - بیان شده، لذا دارای مدلول تأویلی و باطنی‌اند؛ بنابراین حروف مقطعه مشتمل بر «تشابه ذاتی» اند و نه «تشابه عرضی»، یعنی، چه در لفظ و چه در معنا، فی حد نفس متشابه‌اند و نه به دلیل عوارض خارجی مانند گرایش‌های کلامی و مذهبی و غیره و «تشابه نسبی» دارند و نه «تشابه مطلق و حقیقی» یعنی نسبت به مردم عادی و غیر معصوم ناشناخته‌اند ولی نسبت به معصومان علیهم‌السلام معانی شناخته شده دارند.

۲-۱۰. زبان عرف خاص قرآن در ارائه مقاصد الاهی، مخالف «تشابه مطلق آیات»:

اصطلاح زبان قرآن، به مفهوم اسلوب و شیوه ویژه‌ای است که خداوند در بیان مقاصد خویش اتخاذ فرموده است. دیدگاه مشهور در این زمینه آن است که زبان قرآن، زبان عرف خاص است. بدین مفهوم که قرآن کریم در بیان مقاصد خویش ضمن بهره‌گیری از زبان متعارف عرب در بیان مطالب، از زبان فطرت، زبان ادبی، علمی، چند ساحتی، اخباری و انشایی، اشاری و... بهره جسته است. لازمه کاربست زبان عرف خاص در قرآن، طرد دیدگاه تشابه مطلق آیات قرآن خواهد بود (جوادی آملی، همان، ج ۱، ص ۳۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶ش: صص ۶ و ۱۵۹-۱۶۵).

۲-۱۱. تأکید خداوند به تدبر و ژرف اندیشی در قرآن، ناسازگار با «تشابه مطلق آیات»:

توصیه فراوان خداوند به تفکر و ژرف اندیشی در مفاد قرآن کریم، (بدون استثنا کردن متشابهات) به دلالت التزام، قابل فهم بودن قرآن برای مخاطبان غیر معصوم و نفی تشابه مطلق آیات می‌باشد (جوادی آملی، همان، ج ۱، ص ۲۵). لازم به یادآوری است، مفاد آیه شریفه ۷ سوره آل عمران که مبتنی بر نفی اتباع متشابهات و لزوم ارجاع آن‌ها به محکمت است، مربوط به مراد ومدلول متشابهات است نه معنای ظاهری آن‌ها؛ بنابراین با استدلال فنی درسازگاری است.

یادآوری اول:

ملاک‌های عالمان شیعه و سنی در تشخیص احکام و تشابه، ناسازگار با «تشابه مطلق» آیات: عالمان شیعه و سنی معیارها و ملاکاتی برای تشخیص آیات محکم و متشابه بیان نموده‌اند.

این معیارها عبارتند از:

الف. معیار متنی: براساس این معیار آیتی که حامل یک وجه معنایی باشند، «محکم» و آیتی که مشتمل بر چند وجه معنایی باشند، «متشابه» اند (شریف رضی، ۱۴۰۶ق: صص ۱-۷، ابن قتیبه، ۱۴۲۳ق: صص ۱۰۲ و ۲۹۸)، هم‌چنین آیتی که معنای ظاهری و بدوی آن‌ها در تعارض با سایر آیات نبوده و در معرض شبهه تناقض و ناهمگونی نباشد، «محکم» و آیتی که چنین نباشند، «متشابه» هستند (مجلسی، همان، ج ۹۰، صص ۹۸ و ۱۴۲).

ب. معیار معرفتی: براساس این معیار، هر آیه‌ای که مفسران در تفسیر آن، اختلاف نظر نداشته باشند، «محکم» و هر آیه‌ای که مورد اختلاف باشد، «متشابه» است (زرکشی، همان، ج ۲، ص ۸۳).

ج. معیار موضوعی: براساس این معیار، گروه‌هایی از آیات، هم‌چون آیات ناسخ، حلال و حرام، حدود و فرائض، و عموم آیات الاحکام عملی، «محکم» و آیات منسوخ، معارف نظری، مَثَل‌ها و قَسَم‌ها، «متشابه» هستند (رشید رضا، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ص ۱۶۶؛ شاطبی، همان، ج ۳، صص ۹۰-۹۸؛ طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۲۲).

د: معیار عقلی: بر مبنای این معیار، هر آیه‌ای که ظاهرش با مسلمات عقلی مفسر در تعارض نباشد، «محکم» و با وجود تعارض، «متشابه» تلقی می‌شود (ر.ک: ابوزهره، ۱۹۹۶م: صص ۴۵ و ۴۵؛ فخر رازی، همان، ج ۷، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ص ۱۹ به بعد). لازم به یادآوری است: از میان معیارهای چهارگانه فوق در تمیز محکم و متشابه آیات، «معیار متنی» اساسی‌ترین و عام‌ترین معیار محسوب می‌شود، زیرا معیار معرفتی (= اختلاف فهم و تفسیر مفسران از آیات) بازگشت به «معیار متنی» می‌کند و معیار موضوعی (= معرفی موضوعات آیات محکم و متشابه)، بیش‌تر موضوعات و مصادیق محکم و متشابه را مشخص کند، نه معیار واقعی تشخیص احکام و متشابه را؛ و معیار عقلی (= سازگاری یا عدم سازگاری ظاهر آیه با مسلمات عقلی مفسر) به دلیل اختلاف فرقی کلامی - ظاهرگرایان: اشاعره، معتزله و امامیه - در چارچوب نظام عقلی (= اختلاف در نگرش عقل به تفسیر قرآن)، بیان روشن و مورد اتفاقی ارائه نمی‌کند (اسعدی و طیب حسینی، همان، صص ۶۶-۷۰).

نتیجه آن‌که: لازمه کنکاش از معیارهای چهارگانه تشخیص احکام و تشابه آیات و به‌ویژه «معیار متنی» آن است که: در همه آیات لایه‌ها و بخش‌هایی از احکام وجود دارد، از این رو «تشابه مطلق و حقیقی» در آیات، تحقق ناپذیر خواهد بود. یادآوری دوم:

تقسیم آیات محکم و متشابه به آیات «متشابه اصلی» - که به دلیل عوامل درون آیه مانند عمق معانی قرآن و قصور الفاظ عرب، شبهه آفرین می‌شود - و «متشابه عرضی» - که به دلیل عوامل برون آیه مانند گرایش‌های کلامی و مذهبی، غبار ابهام و پیچیدگی بر آیات می‌نشیند - هم‌چنین تقسیم محکم و متشابه «تشابه فعلی» - که تشابه در آیه فعلیت دارد، اعم از آن‌که ذاتاً در آیه مستقر باشد یا به‌طور عرضی پدید آمده باشد - و «تشابه شأنی» - که در آیه زمینه سوء فهم و قابلیت تشابه و تأویل ناصحیح موجود باشد - (معرفت، همان، ج ۳، صص ۱۸ و ۴۴)، تأییدی بر امکان ناپذیری تشابه مطلق آیات است.

یادآوری سوم:

۵ دلیل ۶ تا ۱۰ این مقاله به ابتکار مولف، طراحی شده است و به بیان دیگر، استفاده از مقدم برای اثبات تالی، نوآورانه است، هرچند سایر دلایل به نحوی در بیان مفسران و قرآن‌پژوهان ذکر شده است.

۳. جمع بندی و نتیجه گیری

شناخت ماهیت احکام و تشابه به عنوان پدیده ای فراگیر در همه زبان ها و قاعده ای زبان شناختی در درک قرآن، نقش اساسی در هدایت قرآن و تقریب مذاهب اسلامی ایفا می نماید. مفسران شیعه با اذعان به «آیاتی که به طور مطلق محکم اند» و آیاتی که «از جهتی محکم و از جهتی متشابه اند»، وجود «آیات متشابه مطلق» را انکار نموده اند.

دلایل دوازده گانه امکان ناپذیری «متشابه مطلق» در آیات قرآن به شرح ذیل است:

۱. ناسازگاری «تشابه مطلق» آیات با حکمت خداوند.
۲. ناسازگاری «تشابه مطلق» آیات با رسالت هدایتگری قرآن.
۳. فهم ناپذیری و مدلول نداشتن بخشی از آیات تحت عنوان «متشابه مطلق»، در تضاد با برخی اوصاف قرآن.

۴. وجود «تشابه مطلق» آیات، خلاف مقتضای بلاغت قرآن.

۵. عدم پذیرش «تشابه مطلق» آیات، از سوی راسخان در علم معصوم علیه السلام و غیر معصوم.

۶. قراین پیوسته آیه ۷ سوره آل عمران، نافی «تشابه مطلق» آیات.

۷. مدلول التزامی روایات معصومان علیهم السلام نفی کننده «تشابه مطلق» آیات.

۸. حجیت ظواهر قرآن، در تضاد با «تشابه مطلق» آیات متشابه.

۹. مدلول های سزای حروف مقطعه در تضاد با «تشابه مطلق» بودنشان.

۱۰. زبان عرف خاص قرآن در القاء مقاصد الهی، در تضاد با «تشابه مطلق آیات».

۱۱. توصیه های موکد خداوند به تدبر و ژرف اندیشی در قرآن، ناسازگار با «تشابه مطلق آیات».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد، دشتی.
۳. ابن ابی عاصم شیبانی، أحمد بن عمرو، (۱۴۱۱ق)، الآحاد والمثانی، محقق: أحمد جوایری، باسم فیصل، نشر دار الرائی، الرياض، چاپ اول.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۶۳ش)، سعد السعود، نشر رضی، قم.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۵ق)، تفسیر القرآن العظیم، نشر دار المعرفه، بیروت.
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۲۳ق)، تأویل مشکل القرآن، محقق: شمس الدین، ابراهیم، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت.
۷. ابو زهره، محمد، (۱۹۹۶م)، تاریخ المذاهب الإسلامیة فی السیاسیة والعقائد و تاریخ المذاهب الفقهیة، نشر دارالفکر العربی، قاهره.
۸. اسعدی، محمد و طیب حسینی، محمود، (۱۳۹۰ش)، پژوهشی در محکم و متشابه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
۹. تجلیل، جلیل، (۱۳۸۵ش) جناس در پهنه ادب فارسی، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۰. جواد آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش)، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، قم.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، قم، چاپ اول.
۱۲. رشید رضا، محمد، (۱۴۲۱ق)، المنار فی علوم القرآن، نشر موسسه الرساله، بیروت.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۶ش)، منطق تفسیر، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، تهران.
۱۴. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، محقق: یوسف عبدالرحمن، مرعشی، جمال حمدی، ذهبی، ابراهیم عبدالله، کردی، نشر دار المعرفی، بیروت.
۱۵. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۷ش)، المناهج التفسیریة فی علوم القرآن، نشر موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم.
۱۶. سعیدی روشن، محمدباقر، (۱۳۷۹ش)، علوم قرآن، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، چاپ دوم.
۱۷. شاطبی، ابواسحاق، (۱۴۱۶ق)، الموافقات فی اصول الشریعی، نشر دار المعرفه، بیروت.

۱۸. شاکر، محمد کاظم، (۱۳۹۳ش)، *علوم قرآنی*، انتشارات دانشگاه قم، قم.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن الحسین، (۱۴۰۶ق)، *حقائق التاویل فی متشابه التنزیل*، نشر دارالمهاجر، بیروت.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *معانی الاخبار*، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۸ش) *قرآن در اسلام*، نشر بوستان کتاب، قم.
۲۲. -----، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، (بی تا)، *تفسیر عیاشی*، تحقیق: سیدهاشم، رسولی محلاتی، نشر مکتبه العلیمه الاسلامیه، تهران.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۵. قاضی عبدالجبار، بن احمد، (بی تا)، *متشابه القرآن*، محقق: زرزور، عدنان محمد، نشر مکتبه دارالتراث، قاهره.
۲۶. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵ق)، *تفسیر قرطبی*، نشر دار الاحیاء التراث العربیه، بیروت.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ش)، *اصول کافی*، نشر اجود، قم.
۲۸. کمالی دزفولی، علی، (۱۳۷۰ش)، *شناخت قرآن*، نشر اسوه، تهران.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۶۳ش)، *بحار الانوار*، مترجم: ابوالحسن، موسوی همدانی، نشر کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۱۶ق)، *میزان الحکمه*، نشر دار الحدیث، قم.
۳۱. مرکز الثقافه و المعارف القرانیه، (۱۳۷۴ش)، *علوم القرآن عند المفسرین*، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۲ش)، *قرآن شناسی جلد دوم (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن)*، تحقیق: غلامعلی، عزیزی کیا، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، قم.
۳۳. معرفت، محمدهادی، (۱۳۹۱ش)، *علوم قرآنی*، نشر موسسه فرهنگی التمهید، قم.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر نمونه*، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۳۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، (۱۳۷۸ش)، *قوانین الأصول (طبع قدیم)*، نشر مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.